

جابه‌جایی ۲۰۰ اصله درخت به ۲ روایت



نورا حسینی؛ ماجرای جابه‌جایی ۲۰۰ اصله درخت در مرکز لرزه‌نگاری وابسته به دانشگاه تهران اولین تذکر یکی از اعضای شورای شهر تهران در نخستین جلسه شورای شهر تهران در سال ۱۴۰۱ بود. ناصر امانی، عضو شورای شهر تهران به گزارشی که از روز ۱۰ فروردین از صدواسیما پخش شده اشاره کرد و آن را دهن کچی آشکار به قوانین و مقررات و تخریب محیط زیست توسط مرکزی دانست که آرم علم و پژوهش بر سر در آن مزین است. امانی از شهردار تهران خواسته بود به‌صورت ویژه به این هنجارشکنی رسیدگی کند و از طریق راهکارهای قانونی عوامل این اقدام اعم از آمرین و عاملین را مشخص کند و ضمن معرفی در مراجع قضائی، به افکار عمومی هم گزارش دهد.

اما ماجرا به این تذکر ختم نشد و روز گذشته وی در تذکر دیگری از ضرب‌وششم مأموران شهرداری تهران توسط مأموران سازمان ژئوفیزیک دانشگاه تهران خبر داد و گفت: یک از عوامل سازمان مربوطه می‌خواست از یک ارتقاعی مأمور شهرداری این پرت کند و از گاز اشک‌آور علیه مأموران استفاده شده و لباس آنها پاره شده است. وی با بیان اینکه باید به این اتفاق عجیب واکنش یکپارچه نشان دهیم و از مأموران شهرداری حمایت کنیم، گفت: شهرداری آن قدر ذلیل نشده که مأمورانش چنین بیلای سرشان بیاید.

پرویز سروری نیز که در غیاب مهدی چمران ریاست شورای شهر را بر عهده داشت، از تماس تلفنی مهدی بیرهادی که پیش از عید این موضوع را به وی اطلاع داده سخن گفت. سروری ادامه داد: در این مورد با دوستانمان در شهرداری صحبت و تاکید کردم که نباید اتفاقات این‌چنینی منجر به قطع درختان شود و حتی کمیسیون سلامت نیز در نامه‌ای به شهرداری در این خصوص هشدار داد.

بیرهادی، رئیس کمیسیون سلامت، محیط زیست و خدمات شهری شورای شهر تهران هم در این زمینه توضیح داد: با توجه به اینکه این موضوع در روزهای منتهی به عید بود، دنبال رسانه‌ای کردن این موضوع نبودیم اما علاوه بر تذکرات در نامه‌ای به شهرداری این موضوع اعلام شد. بیرهادی افزود: در نامه‌ای که زده شد، عنوان شده که با توجه به کد شناسایی، مساحت و پهنه G111 و G322 است و عملیات ساخت‌وساز نباید در این محوطه انجام شود.

او به مجوزی که شهرداری برای جابه‌جایی این درختان صادر کرده است، اشاره کرد و گفت: در این مجوز اعلام شده که هرگونه جابه‌جایی باید در فصل مناسب و با حضور کارشناسان فضای سبز باشد. او تاکید کرد وزیر علوم در این رابطه پاسخ‌گو باشد که چرا در شهر تهران شاهد چنین موضوعی بودیم که باعث رنجش حامیان فضای سبز شود.

احمد صادقی، عضو دیگر شورای شهر تهران هم معتقد بود

که این موضوع نیاز به اقدامی فراتر از تذکر در صحن شهورا دارد و باید شخص ریاست دانشگاه تهران به صحن شورا دعوت شوند و پاسخ‌گوی این موارد باشند. هم‌زمان با تذکرهای اعضای شورای شهر در این رابطه، مسئولان دانشگاه تهران هم در نشستی خبری روایت شهرداری از جابه‌جایی ۲۰۰ درخت را تکذیب کرده و به مجوزی اشاره کردند که شهرداری برای این جابه‌جایی‌ها داده است.

مهدی شهبازی، رئیس مرکز حوزه ریاست و روابط عمومی دانشگاه تهران و مشاور ریاست این دانشگاه گفت یکی از مهم‌ترین اصولی که دانشگاهیان به آن اعتقاد دارند، رعایت قانون است. نکته مهم در این مورد خاص، ورود غیرقانونی مأموران و خبرنگاران به مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران بود. این ورود غیرقانونی برای ما شگفت‌آور بود. تلاش دانشگاه تهران پیگیری این موضوع از مسیره‌ای قانونی است. ما به دنبال هیجان نیستیم و از مجاری قانونی این مهم را پیگیری می‌کنیم. دانشگاه تهران با مؤسسات



مختلف از جمله شهرداری تهران، برای توسعه و پیشرفت کشور به تفاهم‌هایی رسیده و این یک همکاری دوپرفه است.

مهدی شهبازی با اشاره به نشست‌های ریاست دانشگاه تهران با شهردار تهران و اعضای شورای شهر پیش از عید نوروز گفت: روال عادی اخذ مجوز و اقدامات برای اصلاح و تقویت زیرساخت در مرکز لرزه‌نگاری صورت گرفته بود و در این راستا مجوز کمیسیون ماده هفت نیز اخذ شد. بر همین اساس اقدام به جابه‌جایی اصولی درختان صورت گرفت. رئیس مرکز حوزه ریاست و روابط عمومی دانشگاه تهران ادامه داد: دانشگاه تهران در ۱۵ اسفند سال گذشته، اقدام به کاشت و توزیع حدود ۲۰ هزار اصله درخت کرد و این دور از ذهن است که این دانشگاه بخواهد در مسیر مخالف حرکت کند. وی درباره نقل‌قول‌هایی مبنی بر اینکه مأموران شهرداری توسط کارمندان دانشگاه تهران مورد ضرب‌وششم قرار گرفته بودند، گفت: فیلم‌ها و ادله لازم برای اثبات کذب‌بودن این مدعا موجود است.

در ادامه این نشست، احمد نوحه‌گر، استادتمام دانشکده محیط زیست دانشگاه تهران و معاون برنامه‌ریزی و توسعه منابع دانشگاه تهران نیز گفت: دانشگاه تهران یکی از سرسبزترین دانشگاه‌های تهران است. او از اعضای شورای شهر خواست در اسرع وقت، اجازه دهند تا دانشگاه تهران به فعالیت‌های خود در مؤسسه ژئوفیزیک رسیدگی کند. او تاکید کرد ضرب‌وششم عوامل شهرداری کذب است و گزارش‌هایی که ما داریم، عکس این قضیه را اثبات می‌کند. وی با اشاره به اینکه هیچ قطع درختی صورت نگرفته و قرار بر این بوده که برای توسعه ایستگاه لرزه‌نگاری، چند اصله درخت جابه‌جا شود، گفت: سرانه فضای سبز در ایران هفت تا ۱۲ متر است و این سرانه در دانشگاه تهران، حتی از سرانه‌های جهانی نیز بالاتر است. در ادامه این نشست، محمدرضا حاتمی، رئیس مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران گفت: نمی‌دانم چرا مأموران شهرداری به خودشان اجازه دادند وارد حریم دانشگاه شوند، آن‌هم نه از طریق در ورودی بلکه با پریدن از روی نرده‌ها! وی با بیان اینکه مسئولیت‌های بزرگی بر عهده مؤسسه ژئوفیزیک گذاشته شده است، گفت: ما نیازمند توسعه هستیم. شهرداری منطقه سه که به این ماجرا ورود کرد، می‌توانست از طریق گفت‌وگو با رؤسای دانشکده‌ها و مقامات دانشگاهی در این زمینه اقدام کند. مرکز لرزه‌نگاری متعلق به شهرداری نیست و این مسئله مربوط به دانشگاه تهران است.

در ادامه این نشست شکوهی‌زاده، مدیرکل حقوقی دانشگاه تهران گفت: خبرهایی که در رسانه‌ها از سمت شهرداری نقل‌قول شده، اطلاعات دقیقی نیست، با این وجود من بدون اینکه به جزئیات ورود کنم، می‌گویم که دانشگاه تهران مالکیت بلامنازعی نسبت به املاک و مستغلات خود دارد. ما مجوز جابه‌جایی درختان را از شهرداری داشته‌ایم اما در لایه‌های پایین شهرداری، کارشنکی‌هایی نسبت به اقدامات دانشگاه صورت گرفت. ما به‌طور اصولی اقدام به جابه‌جایی درختان کردیم و مأموران شهرداری در پایان بدون مجوز قانونی و دستور قضائی به حریم ملک دانشگاه تجاوز کردند و کارکنان دانشگاه را مورد ضرب‌وششم و توهین قرار دادند. دانشگاه پیگیر این موضوع است و این موارد توسط دوربین‌های مداربسته دانشگاه ضبط شده است، امیدواریم مراجع قضائی این مسئله را پیگیری کنند. همچنین پیگیر مطالب منتشرشده کذب در دادسرای رسانه نیز خواهیم بود.

نگاهی به موج مهاجرتی اخیر از افغانستان به ایران

منتظر جمعیت چندصد هزار نفری باشید

مهاجران در یک مرکز پذیرش در استان آذربایجان غربی، ایران.

دسته‌های مختلفی از افغانستانی‌ها به سوی مرزهای ایران روانه شدند. خانوادگی‌بودن مهاجرت‌ها وجه بارز این موج مهاجرتی بود و اینکه در میان مهاجران اقشار مختلفی از جامعه افغانستان هم حضور داشتند. این‌بار فقط کارگران فصلی نبودند که در حال مهاجرت بودند؛ بسیاری از نخبگان و طبقات متوسط و حتی مرفه افغانستانی هم راهی ایران بودند. در دهه‌های گذشته، عدم ساماندهی جریان مهاجرت نیروی کار افغانستانی به ایران و خودداری از پذیرش رسمی این کریدور مهاجرتی باعث شده شبکه قاچاق مهاجران در ایران شکل بگیرد و روز به روز تقویت شود. «افغانی‌کشی» یک زنجیره شغلی است که دامنه‌اش از روستاهای شرقی‌ترین مرزهای ایران تا کوه‌های شمال‌غربی ایران کشیده شده است. پاسخ کلی ایران در قبال موج جدید مهاجرتی باز هم عدم پذیرش رسمی بود. به نظر می‌رسد شرایط اقتصادی دشوار ایران، شیوع کرونا و عدم حمایت جامعه جهانی از دلایل اصلی اتخاذ این سیاست بودند.

ایران تنها ورود مهاجرانی را می‌پذیرفت که از سفارت ایران در کشور افغانستان موفق به دریافت ویزا می‌شدند. از آن طرف هم ساخت اردوگاه‌های مرزی برای اسکان موقت منتفی شده بود. جمعیت متقاضی ویزای ایران آن قدر زیاد بودند که به‌رحال اکثر جمعیت نمی‌توانستند ویزا تهیه کنند. راهکار چه بود؟ استفاده از شبکه قاچاق مهاجر. اگر روزگاری فقط پژو‌ها و زانیاها بودند که با سرعت‌های سرسام‌آور مهاجران را به‌صورت غیرقانونی از جاده‌های ایران عبور می‌دادند، در موج مهاجرتی اخیر آن‌قدر این کار پردرآمد شد که دیگر برابیده‌ها هم به جرگه خودروهای افغانی‌کش پیوسته بودند.

هم‌زمان با افزایش ورود غیرقانونی مهاجران، برخورد‌های نیروهای انتظامی با مهاجران غیرقانونی نیز افزایش یافت. دستگیری و رد مررز مهاجران غیرقانونی افغانستانی در یک سال گذشته بی‌سابقه بوده است. فقط در مرداد و شهریور سال ۱۴۰۰ حدود ۱۰۸ هزار نفر مهاجر بدون مدرک افغانستانی دستگیر و رد مرز شدند. در مدت مشابه در سال ۱۳۹۸ این رقم برابر با ۳۷ هزار نفر بود. درحالی‌که متوسط بازگشت سالانه مهاجران افغانستانی به کشورشان از ایران حدود ۵۰۰ هزار نفر بود. در سال ۲۰۲۱ این رقم به حدود یک میلیون نفر رسید. اما برای بیشتر آنها خروج و رد مرز به معنای بازگشت نیست، بلکه به معنای مهاجرت دوباره به ایران است.

«ورود غیرقانونی، مدتی حضور در ایران و دستگیری و رد مرز به افغانستان و دوباره ورود غیرقانونی» چرخه‌ای است که در سال‌های اخیر در مورد کریدور مهاجرتی افغانستان به ایران همواره جاری بوده است. در یک سال گذشته این چرخه با شدت و حدتی بیشتر تکرار شده است.

همدردی کم‌سابقه ایرانیان وبازار کار تشنه ایران

در روزهای خروج آمریکا از افغانستان و پیشروی شهر به شهر نیروهای طالبان تا فتح کابل، همدردی اقشار مختلف ایران با افغانستانی‌ها کم‌سابقه بود. چه در فضای مجازی و چه در تجربه‌های واقعی، ایرانیان از تصمیم دل با افغانستانی‌های هم‌زبان و هم‌فرهنگ و اتفاقی که در آن کشور به وقوع پیوسته بود، همدردی می‌کردند. اینکه چرا ایرانیان با افغانستانی‌ها تا این درجه همدردی کردند، خود به بررسی جداگانه‌ای نیاز دارد. در بسیاری از موارد این همدردی‌ها به کنش هم منجر شد. گروه‌های خودجوش فراوانی آستین‌ها را بالا زدند و برای خانواده‌های تازه‌مهاجرت‌کرده افغانستانی سرپناه جستند و مقدمات اسکان آنها را فراهم کردند. افزون بر این مهاجران افغانستانی حاضر در ایران که سابقه حضور چنددهه‌ای دارند نیز به یاری خانواده‌های تازه‌مهاجرت‌کرده آمدند. گزارش‌های شورای پناهندگان نروژ (NRC)، در اواسط پاییز سال ۱۴۰۰ برآورد کرده بود روزانه به‌طور متوسط چهار تا پنج هزار افغانستانی درحال ورود به ایران‌اند و پیش‌بینی کرده بود که تعداد مهاجران تازه‌وارد تا پایان پاییز از ۵۰۰ هزار فراتر می‌رود. گزارشی که روزنامه نیویورک‌تایمز در هفته‌های اخیر منتشر کرده، رقم مهاجران خارج‌شده از افغانستان را تا فراتر از یک میلیون نفر تخمین زده است.

علاوه بر همدردی ایرانیان، یکی دیگر از عوامل پذیرش مهاجران جدید، شرایط بازار کار ایران است. آقای مسعودی که در یکی از پرفرمت‌وآمدترین نقاط تهران صاحب سوپرمارکت است، یک دستیار افغانستانی پرجنب‌وجوش دارد. از قومیت هزاره نیست و از زوی چهره اصلا نمی‌توان تابعیت او را فهمید. او می‌گوید: «من دست‌نمی‌نمایم توئم اینجا رو بچرخونم. کارگر نیاز دارم. اما کارگر ایرانی دردمره. الان وزارت کار گفته حداقل حقوق کارگر پنج‌میلیون و ۷۰۰ هزار تومن. مگه من چقدر درآمد دارم؟ تازه این پنج‌میلیون و ۷۰۰ اوششه. کارگر ایرانی بیمه می‌خواد. عیدی می‌خواد. سرجم ماهی ۱۰ میلیون برام خرج برمی‌داره. ۱۰ میلیون برای به وردست؟ نمی‌صرفه. این بنده خدا از افغانستان اومده، بهش اعتماد دارم. حقوق هم نصفه می‌گیره. تازه کلی دوندگی کردم که شاید بشه براش مدرک اقامت قانونی جور کنم. رقتم گفتم من ضمانت این آدمو می‌کنم. مدرک ندارم. خب وقتی حداقل حقوق

رو پنج میلیون و ۷۰۰ می‌داری، مشخصه که من دیگه بی‌خیال کارگر ایرانی می‌شم!»
یه پسر دارم ۲۳سالشه. دانشجو. بهش می‌گم بیا وردستم. می‌که من می‌خوام استارت‌آپ بزنم. می‌که دوست ندارم هفت صبح بیدار شم سوار مترو و اتوبوس شم بره سر کار. می‌خوام کارآفرین شم و شرکت دانش‌بنیان بزنم. اینا رو من یادش ندادم که… این فرهنگیه که ایجاد کردن تو جوون‌های ما. این بچه نمیدار کنه. من چی بگم بهش؟ خب کلی کار هست. ولی کسی نیست انجام بده».
استدلال‌هایی که او ارائه می‌کند، نشان می‌دهد مهاجران تازه‌وارد چقدر برای کارفرمایان ایرانی جذابیت دارند. این تنها یک نمونه دم‌دستی و کوچک است و اگر به کارگاه‌های صنعتی با مقیاس بزرگ‌تر مراجعه کنید و حرف کارفرمایان را بشنوید، متوجه خواهید شد که این نیاز چه شدتی دارد.

رویه‌ای بس خطرناک

در هفته‌های اخیر جریان‌های مهاجرستیز گوناگونی در فضای مجازی ایران شکل گرفته است. فیلم‌ها و پیام‌هایی که ویرال می‌شوند، به صورتی پنهانی ترس و نفرت از مهاجران افغانستانی را به مخاطبان ایرانی القا می‌کنند. جریان پرشماری از افغانستانی‌ها در کوه‌ها که در حال عبور از مرزهای ایران جلوه داده می‌شوند؛ فیلم‌هایی که مسئولان می‌گویند برای ماه‌های گذشته است. پیام‌هایی که در مورد اجاره منزل به اتباع افغانستانی هشدار می‌دهند و… در این میان برخی مسئولان خواسته یا ناخواسته هم‌زمان پیام‌هایی را به جامعه مخایره می‌کنند که باعث تقویت این جریان‌ها می‌شوند. مسئولی هشدار می‌دهد ایرانیان حق ندارند به اتباع افغانستانی ملک اجاره دهند و به آنها شغل و کار بدهند و اگر کسی این کار را کند، برخورد قضائی می‌بیند و… تیم مارشال، در کتاب «در اسارت جغرافیا» به‌درستی به این نکته اشاره می‌کند که کشور ایران در مقابل تهدیدهای بیرونی، کشوری مقاوم است. اما به این هم اشاره می‌کند که وجود قومیت‌ها و اقلیت‌های مختلف و ایجاد اصطکاک بین این قومیت‌ها و دامن‌زدن به نارضایتی‌های قومی و اقلیتی می‌تواند هزینه‌های گران داشته باشد. در چند دهه اخیر

مدرک تحصیلی اینجانب محمد مهدی جلالی فرزند

حسینعلی به شماره شناسنامه ۵۰۲۷۵۷۱۲۰۰۵۱۲۰۰ صادره از دهاقان در مقطع کارشناسی ارشد در رشته معماری صادره از واحد دانشگاهی هنر اصفهان به شماره ۱۰۷/آ/مفقود گردیده وفاقداختبار می‌باشد.از یابنده تقاضا میشوداصل مدرک را به دانشگاه هنر اصفهان به نشانی اصفهان، خیابان حکیم نظامی، دانشگاه هنر اصفهان یا کد پستی ۸۱۷۳۸۷۷۵۴۱ ارسال نماید.

پلاک خودرو ۴۰۰ ایران ۷۱۳ ق ۷۱۳ ق ۹۸ محل ۱۴۰۰

به شماره پلاک ۱۴۰۰ایران ۷۱۳ ق ۹۸ شماره شناسی ۵۰۲۳۶۵۱۰CEOMK۰۷NAAN شماره موتور۲۵۷۰۲۴۱۱۶۰۰ بنام علی چوچوند به کد ملی ۱۵۵۰۰۸۲۶۱۰۵۰۰ به شماره شناسنامه ۷۱۸۹۶ فرزند ابراهیم در تاریخ ۱۳/۱۱/۱۴۰۰ به سرقت رفته و در صورت مشاهده با شماره تلفن ۰۹۱۲۶۱۲۷۲۲۱ تماس حاصل فرماید.

بیمان حقیقت طلب، مدیر پژوهش انجمن دیاران: خروج آمریکا از افغانستان تا ماه‌ها تیتریک اخبار رسانه‌های مختلف دنیا بود. برای کشورهای مختلف این خروج معناهای متفاوتی داشت؛ برخی می‌گفتند شکستی دیگر برای آمریکا و برخی از ظهور دوباره طالبان و تبعات آن برای جهان دم می‌زدند؛ اما در ایران خیلی‌ها معنای آن را شروع موج مهاجرتی دیگری از افغانستان به ایران می‌دانستند.

در جهان کریدورهای مهاجرتی مختلفی وجود دارد. دلان‌هایی بین کشورها که همواره مهاجران و جمعیت‌های میلیونی نیروی انسانی بین آنها در حال جابه‌جایی هستند. مکزیک به آمریکا، آفریقا به اروپای غربی، تاجیکستان به روسیه، هندوستان به امارات متحده عربی و… کریدورهای مهاجرتی هستند که همواره در آنها انسان‌ها در حال رفتن به کشور مقصد و بازگشت هستند. دولت‌ها برای کنترل این جریان‌ها ورود قانونی را سخت می‌کنند؛ اما این کریدورها و جریان انسانی جاری در آنها با افزایش سخت‌گیری‌های مرزی متوقف نمی‌شوند. اگر دولت‌ها سخت بگیرند، قاچاق‌بران و ورود غیرقانونی جایگزین می‌شود. افغانستان به ایران هم یکی از کریدورهای مهاجرتی مشهور دنیاست. جریان مهاجرتی نیروی انسانی از افغانستان به ایران در ۵۰ سال گذشته جریانی ممتد و همواره جاری بوده است. همه روزهای سال همواره تعدادی از افغانستانی‌ها در حال مهاجرت به ایران بوده‌اند. این جریان مهاجرتی گاهی اوقات از ایران عبور می‌کند و از ترکیه هم رد می‌شود و به کشورهای مختلف اروپایی می‌رسد.

در این میان موج‌های مهاجرتی همواره برای کشورهای مقصد هزینه‌زا بوده است؛ چراکه در جریان‌های مهاجرتی همواره تعداد مشخصی نیروی انسانی در حال ورود و خروج‌اند و همه فرایندها تدریجی پیش می‌رود؛ اما در موج مهاجرتی یکباره کشور میزبان با جمعیتی چندصدهزار نفری یا حتی میلیونی از مهاجران مواجه می‌شود. امری ناگهانی به وقوع می‌پیوندد و پاسخ ناگهانی همیشه دشوار است.

کریدور مهاجرتی افغانستان به ایران در چند دهه گذشته با چند موج مهاجرتی مواجه بوده است: حمله شوروی به افغانستان، جنگ‌های داخلی افغانستان، تسلط طالبان بر افغانستان و حمله آمریکا به افغانستان. در بین موج‌هایی که در ۴۰ سال اخیر رخ داده است، موج مهاجرتی افغانستانی‌ها پس از تسلط طالبان در میانه‌های دهه ۷۰ شمسی بزرگ‌ترین موج مهاجرتی بود. طالبان حکومتی متحجر بود که می‌خواست تمام پیشرفت‌های بشری در قرون اخیر را نادیده بگیرد. قوانین خشک و برخورد‌های خشن طالبان و ناآشنایی با اصول اولیه حکمرانی و اداره کشور، باعث شده بود بسیاری از افغانستانی‌ها حتی اگر به قیمت جان‌شان هم باشد، فرار را بر قرار ترجیح دهند.

با تسلط دوباره طالبان بر افغانستان در سال گذشته، گروه‌هایی در ایران سعی کردند این چارچوب‌بندی را جا بیندازند که طالبان جدید با طالبان قدیم متفاوت است. سعی کردند از طریق رسانه‌های مختلف این را القا کنند که طالبان، فاتح جنگ با آمریکا در افغانستان بوده و روزهای خوبی برای افغانستان در راه است، اما از همان روزهای اول تسلط طالبان بر افغانستان مشخص شد که این طالبان همان طالبان است؛ زانان اجاره ن‌دارند بدون همراهی مرد محرم‌شان به خیابان بیایند و دختران نباید سوادشان به بالاتر از کلاس ششم ابتدایی برسد!

موج جدید مهاجرتی شکل می‌گیرد

شاید یکی از ماندگارترین تصاویر از قرن بیست‌ویکم، پرواز هواپیمای آمریکایی از فرودگاه کابل باشد که صدها نفر از افغانستانی‌ها در ونش کیپ تاکیپ هم نشسته‌اند و عده زیادی به بال‌ها و چرخ‌هایش آویزان شده‌اند و حتی وقتی هواپیما ده‌ها متر از زمین ارتقاع می‌گیرد با هم دعای رهاییش نکرده‌اند. تصویری نمادین که میل به مهاجرت و در حقیقت فرار افغانستانی‌ها را بیان می‌کند. مبله که در هفته‌ها و ماه‌های بعدش به شکل جریان مهاجرتی بزرگ به ایران نمودار برسد!

مهاجران در یک مرکز پذیرش در استان آذربایجان غربی، ایران.